



حمید مقدس فرد بزرگوار و روزنامه‌نگار

باسلام و احترام

دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود را پیرامون شماره ۵۶ مجله وزین گزارش، عرضه می‌دارم با آرزوی پربارتر شدن و موفقیت بیشتر آن.

شماره ۵۶ مجله به استانداردهای حرفه‌ای یک نشریه نیمه تخصصی نزدیکتر شده که تنوع موضوعها و هم‌پوشانی مطالب آن، از جمله استانداردهایی است که رعایت شده و می‌تواند خواننده را نسبت به کوشش مجله برای دادن یک چارچوب کلی از مفهوم معماری و مهندسی، قانع کند. نیاز جامعه مهندسی کشور به مباحث پایه چیزی نیست که بتوان از آن گذشت که برخی از آنها در این شماره آمده. این واقعیت که تولید فکر و جنبش در میان درس‌خوانده‌ها و فعالین حرفه‌ها با یک مجله استاندارد، تقویت می‌شود انگیزه نیرومندتری برای نشر یک نشریه ایجاد می‌کند ولی مشکل شاید این باشد که شمار نویسندگان حرفه‌ای در این زمینه که نوشتن و توزیع دانش، دغدغه جدی‌تری از اینکه هست باشد، کمتر از شمار مورد انتظار است. این همان مشکل عمومی جامعه ایران است که نسبت نویسندگان به کل جمعیت و به جامعه کتابخوان و روزنامه‌خوان و همچنین نسبت به کل جمعیت باسواد، بسیار کم است.

جای مباحث و بررسی‌های استراتژیک - که به اشتباه آنها را تئوریک می‌خوانیم و تئوری هم در نزد ما یعنی گفته‌های انتزاعی و دور از واقعیت - در نشریه‌های نیمه تخصصی ایران، خالی است که مجله گزارش را نیز شامل می‌شود. اگر مجله به چاپ این بررسی‌ها در رشته‌های گوناگون مهندسی و معماری بپردازد هرچند در حد معرفی کتاب و فشرده مقاله، راه برای پذیرش ضرورت خواندن نوشته‌های کلیدی و پرداختن و اندیشیدن به آنها باز می‌شود. این کار نیازمند سیاست‌گذاری و برنامه رسانه‌ای است که به نظر می‌رسد هنوز در مجله به‌عنوان یک روش کاری و حرفه‌ای، جدی گرفته نشده گرچه این از ارزش مجله کم نمی‌کند. ولی هدف آنرا که ارائه یک مجله مرجع است به عقب می‌اندازد.

گرچه مجله گزارش متعلق به نظام مهندسی ساختمان

استان فارس است ولی این نباید آنرا از پرداخت و پردازش مطالبی که جنبه‌های ملی و جهانی دارند بازدارد زیرا مهندسی و معماری، جز آنکه از قدیمی‌ترین حرفه‌ها و فنون تاریخ تمدن هستند جهانی‌ترین آنها نیز هستند. بنابراین یک مجله موفق مهندسی، درست همان مجله‌ای است که جهانی‌ترین مطالب را منتشر می‌کند. این نیز به یک چارچوب نظری سنجیده و فکر شده، نیاز دارد که تسلط بر زبان و موضوع‌های روز در جهان از ابزارهای کلیدی آن است.

استاندارد یک مجله موفق نیمه تخصصی - که هم مخاطبین خاص دارد و هم خواننده عام - به معنی برخوردار بودن آن از کار حرفه‌ای تحریریه در زمینه‌های اصلی است که به گردآوری مطلب و پربار ساختن مجله بپردازند. این یک نیاز حرفه‌ای است که در صورت پاسخ دادن به آن می‌تواند یک گام بزرگ برای پیشرفت باشد.

صفحه‌آرایی شماره ۵۶، خوب است گرچه یکدست نبودن گرافیک صفحه‌ها کمی به آن لطمه زده است. شماره فونت حروف، کمی بزرگ است و تنوع رنگ‌های زمینه‌ای صفحه‌ها، انسجام گرافیکی مجله را برهم زده. پیشنهاد من اینست که بجای تنوع رنگ، تنوع ترکیب و کمپوزیسیون را با کمک خط و فضای سفید و تغییر عرض ستون‌ها، به‌کار بگیریم. یک مجله نیمه تخصصی، گرافیک حساب‌شده‌تری می‌طلبد که مسلماً در بضاعت صفحه‌آرای گرامی هست. طراحی یک لوگوی مناسب‌تر و روی جلد حرفه‌ای نیز به پیشبرد هدف مجله و پرخواننده‌تر شدن آن کمک می‌کند.

دوزبانه شدن مجله شماره ۵۶ را پربارتر ساخته که می‌توان با اطلاع‌رسانی و درج آخرین خبرها از ایران و جهان و یک بخش اینترنتی فعال، درون‌مایه‌های ژورنالیستی آن را افزایش داد. بهره‌برداری از توانایی‌های ژورنالیسم در یک مجله با تعریف‌ها و اندازه‌های مجله گزارش، یک وظیفه حرفه‌ای است که هم توانایی نویسندگان را افزایش می‌دهد و هم بر دامنه برد و تأثیر مجله می‌افزاید. یک نظرسنجی، افکارسنجی و نیازسنجی با روش‌های آماری را نیز پیشنهاد می‌کنم. با امید به انتشار همیشگی و پربارتر نشریه گزارش.

با سلام؛

محترماً نشریه شماره ۵۶ گزارش که اختصاص به معماری داشت بصورتی بسیار نفیس منتشر گردید. که جا دارد به شما و سایر دست‌اندرکاران نشریه تبریک گفته شود.

با توجه به اینکه جنابعالی هم آرشیوتکت و هم مهندس عمران هستید و بعلاوه با دانستن این حقیقت که معماری مادر هنرها بوده و در عین حال بیشترین نقدها را نیز در ذات خود دارد، لذا می‌توان توقع داشت که در نشریه گزارش باب بحثی در زمینه انتقاد به طرح‌های معماری از دیدگاه سازه گشوده شود. مثلاً در عکس‌هایی که از کارهای معماران بزرگ گرفته شده، می‌توان به طبقات هم‌کف اشاره نمود که فاقد هرگونه دیوارند؛ که این امر مغایر مفاد آئین‌نامه‌های فعلی زلزله می‌باشد. زیرا با این کار طبقه‌ی نرم ایجاد گردیده و بنابراین نیروی برشی زلزله می‌تواند در این طبقه متمرکز شده و باعث تخریب ساختمان گردد. و یا در این ساختمانها بالکن‌ها و پیش‌آمدگی‌های بزرگی دیده می‌شود که باسانی در اثر مؤلفه قائم نیروی زلزله می‌تواند از جای خود کنده شود. در اینجا یادآوری می‌کنم که در زلزله بهار ۲۰۰۸ استان سیچوان چین تاکنون ۸۰ هزار نفر بر اثر زمین‌لرزه جان خود را از دست داده‌اند. از آنجائی که بخش بزرگی از خوانندگان شما را مهندسان عمران تشکیل می‌دهند و شما نیز در هر دو رشته معماری و عمران صاحب صلاحیت هستید، در صورتیکه در زمینه گفته شده، سلسله مقالاتی نشر یابد، مثمر ثمر بوده و این قشر گسترده را هم می‌تواند پوشش دهد. بقول شاعر معاصر فریدون مشیری: این چنین باد، این چنین تر باد.

با احترام

چنگیز آزادی

فولادی یک کارخانه را که طراحی کرده بودی و با دست روی کاغذ کالک کشیده بودی، دکتر فرشاد به دیوارهای بخش راه و ساختمان دانشگاه پهلوی کوبیده بود تا همگان ببینند. حتی یادم هست که در چند درس از صد نمره، صدوپنج گرفته بودی، اما در این کلاس شرکت کن، پشیمان نمی‌شوی. حالا که من بالاچار در آن کلاس شرکت کرده‌ام و امتحان هم داده‌ام متوجه شدم که:

- ۱- منظور فردوسی بزرگ چه بوده است.
- ۲- هنوز هم مانند ۳۷ سال پیش در دانشگاه پهلوی و مانند ۲۰ سال پیش در آمریکای شمالی می‌توانم سر کلاس بنشینم، گوش بدهم و چیزی یاد بگیرم.
- ۳- همیشه در همه‌جا چیزهایی برای یادگرفتن وجود دارد.

۴- ذهن اگر همواره فعال نگه داشته شود، به این زودی‌ها کند نمی‌شود.

۵- با وجود افت کیفیت تحصیلی در بعضی دانش‌آموختگان این سالها، جوانانی پیدا می‌شوند که مهندسان خوب و باسواد هستند و می‌توانند کلاس‌هایی مانند کلاس جوش را استادی کنند. این مورد برای من که معمولاً زود از این نسل جدید ناامید می‌شوم، امیدوارکننده و خوشحال‌کننده بود.

دکتر محمدجعفر ملک‌زاده

همیشه در طول دوران مدرسه موضوعاتی در درس‌های مختلف هست که دانش‌آموز به خوبی متوجه آن نمی‌شود. گاهی برای فهمیدن آن موضوعات تنبلی می‌کند و نمی‌پرسد و گاهی هم تنبلی نمی‌کند اما پرسش او بی‌پاسخ می‌ماند و در نتیجه مفهوم یا معنی درست آن موضوعات برای سال‌های سال برای او مبهم باقی می‌ماند.

یکی از چیزهایی که در درس ادبیات فارسی برای من مبهم مانده بود یا دست‌کم در معنی آن مطمئن نبودم، شعر معروف استاد حکیم ابوالقاسم فردوسی بود که می‌فرماید:

چو گویی که کام خرد تو فتم

همه هر چه بایستم آموختم

یکی نغز بازی کند روزگار

که بنشانند پیش آموزگار
تا اینکه گفتند اگر بخواهی پروانه‌ی اشتغالت تمدید شود
باید در کلاس جوش شرکت کنی. آقای مهندسرا دیدم و گفتم فلانی این کار یعنی چه؟ گفت مقررات است. گفتم نمی‌شود پولش را بدهم و نام‌نویسی کنم اما در کلاس درس حاضر نشوم؟ گفت پولش را می‌توانی ندهی اما سر کلاس باید بیایی و امتحان هم باید بدهی. گفتم می‌دانی که نخستین کسی که ساختمانهای فولادی را در شیراز در دوران دانشجویی با کامپیوتر محاسبه کرد که بود؟ گفت من حتی پیش از آن هم یادم هست که نقشه‌های ازالیدیک سازه‌ی